اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت چهل و هشتم)

ده فرمان

زمین میتوانست برای زندگی ما خیلی سخت تر باشد. فلسفه عذابهای طبیعی هم در همین نکته نهفته است. در جایی که پشتیبانی خدا از ساکنان زمین کم شود، حوادث طبیعی زمین به ضرر افراد است و مثل یک عذاب زندگی ها را به هم می ریزد. اما خدا لطف فراوانی به ما کرده است و در بیشتر موارد زمین را برای زندگی هموار نگه میدارد. منظور از سجده ملائک ، همین نکته بود. ملائک به امر خدا، زمین را برای زندگی ما هموار نگه می دارند. اما شیطان سجده نکرد، به این معناست که زمین را برای زندگی ناهموار میکند. شما تصور کنید که اگر همه مردم دنیا به حرف شیطان گوش کنند و دزد و قاتل و خیانتکار و فاسد شوند؛ در آنصورت قطعا نظم کلی زمین به هم میریزد. فلسفه عذابهای طبیعی هم همین است. در آنجایی که فساد لبریز میشود و نظم طبیعی زمین به هم میخورد، زمین خاصیت طبیعی خود را نشان میدهد

و خدا بخاطر فساد فراوان ساکنین زمین، فقط به مدت یک دقیقه پشتیبانی کمتری انجام میدهد و همین یک دقیقه برای یک زلزله کافی است که آن منطقه را به هم بریزد.

بیشتر قضاوتهای عجولانه ما راجع به حوادث طبیعی پیش آمده، بخاطر درک نادرست و اطلاعات ناقص ماست. به گزارش سایت بیگ بنگ؛ خطرناک‌ترین ذرات کهکشان‌های دور با افزایش فعالیت خورشیدی منحرف می‌شوند و در واقع خورشید ازاین جهت به نوعی از کره زمین محافظت می کند. اگر محور زمین، دارای انحراف یا کج‌شدگی نبود، همیشه خورشید به یک حالت به زمین می‌تابید و آب و هوای مناطق مختلف زمین همواره ثابت می‌ماند؛ انحراف مداری زمین باعث شده که در طول گردش سالانه خود به دور خورشید همواره چهار فصل را تجربه کنیم. در فصل پاییز، خورشید بر نیمکره شمالی مایل می‌تابد و روزها کوتاه‌تر و رفته رفته سردتر می‌شود؛ همچنین خورشید در این فصل سایه‌های بلندتری ایجاد می‌کند که دلیل آن نیز چیزی جز مایل‌تر بودن تابش خورشید نیست. اینها همگی نشان از برنامه ریزی دقیقی دارد که خدا برای ساکنین زمین در نظر گرفته است و تماما تاکیدی است بر این هدف مهم.

بدن ما طوری آفریده شده است و از موادی درست شده است که توانایی زندگی ابدی را ندارد. تغییر و تحولات زمین هم طوری آفریده شده اند که انگار ما مسافریم و نابودی بدن ما حتمی است. کسی که درک درستی از علت در زمین بودن ما نداشته باشد؛ این تغییر و تحولات زمین را درک نمیکند. در صورت درک این مسائل، مرگ

مثل سایر اتفاقات زندگی براحتی قابل پذیرش است. راهی که خدا برای ما در نظر گرفته است، بسیار راحت تر است از راهی که شیطان پیشنهاد میدهد. شیطان ملعون میان مردم، راه زندگی سالم در زمین را از مردم می گیرد. شیطان مسیر پاکی را کاری سخت و محدود کننده معرفی میکند ولی در عوض مسیر گناه را به عنوان لذتی مفرح، هیجان انگیز و بی پایان معرفی میکند. شیطان مسیر گناه را آزادی خواهی معرفی میکند. اما ما نباید مسیر را با مقصد اشتباه بگیریم. درست است که سفر شامل سختی ها می شود ، اما در درد و سختی است که ما هدف و معنا و مقصد را پیدا می کنیم. شیطان گرفتن جان انسانها و صفات کینه و خشم را قدرت بحساب می آورد؛ اما در عوض کنترل خشم و بخشش و نجات جان انسانها و سایر صفات نیک است که زندگی ما را ساده تر میکند. در مجموع، اگر فردی در زندگی خود پایبند این صفات خوب باشد و خدا را در اولویت قرار دهد، در کل خوشحالتر از کسی خواهد بود که به این صفات نیک اعتقاد ندارد. بعضی فرامین که خدا برای بشر فرستاده است، جنبه حیاتی دارند و یک جامعه بدون این فرامین می گندد و از مسیر منحرف میشود و هدف و مقصد را از دست میدهد.در زمان نزول تورات،خدا ده فرمان برای بشریت فرستاد که فرمانهایی اساسی برای جامعه بشریت بوده است و هم اکنون هم هست. ده فرمان که خدا در الواح برای بشریت نگاشت اینها بودند.

۱- من خدا، خالق تو هستم که تو را از اسارت و بندگی آزاد ساختم.

۲- تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان یا بر روی زمین یا در آب است، نساز و آنها را پرستش نکن.

۳- نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور.

٤- روز شنبه را یاد دار تا آن را مقدس بداری (ممنوعیت هر گونه کلک شرعی و حقه فقهی).

٥- پدر و مادرت را احترام بگذار .

٦- قتل نکن.

۷- زنا نکن.

۸- دزدی نکن.

۹- شهادت دروغ نده.

۱۰- چشم طمع به مال و ناموس همسایه و نزدیکان و همکاران و دوستان و ... نداشته باش.

البته قبل از این ده فرمان؛ هفت فرمان در زمان آدم تا نوح هم نازل شد که عبارت بودند از:

۱- ممنوعیت بت‌پرستی: بت نپرستید

۲- ممنوعیت کشتن: خون کسی را به ناحق بر زمین مریزید، خودکشی نکنید و فرزندان خود را نکشید و قربانی نکنید.

۳- ممنوعیت زنا: زنا مکنید.

۴- ممنوعیت قسم ناروا: سوگند ناروا نخورید و تهمت نزنید.

۵- گوشت حیوان زنده را نخورید

۶- عدل و داوری را برپا سازید.

۷- تشکیل دادگاه شرعی. برای نظارت بر انجام شش فرمان مورد اشاره.

این ده فرمان و نسخه قبلی تر آن یعنی هفت فرمان در کل بطرز گسترده تری در آخرین کتاب خدا ، قرآن هم آمده است.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱)

بگو بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم چیزی را با او شریك قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می رسانیم و به کارهای زشت چه علنی آن و چه پوشیده[اش] نزدیك مشوید و نفسی را كه خدا حرام گردانیده جز بحق مکشید اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است باشد که بیندیشد (۱۵۱)

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

و به مال یتیم جز به نحوی [هر چه نیکوتر] نزدیك مشوید تا به حد رشد خود برسد و پیمانه و ترازو را به عدالت تمام بپیمایید هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویید دادگری کنید هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که پند گیرید (۱۵۲)

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳)

و [بدانید] این است راه راست من پس از آن پیروی کنید و از راه ها[ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که به تقوا گرایید (۱۵۳)

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ (۱۵۴)

آنگاه به موسی کتاب دادیم برای اینکه [نعمت را] بر کسی که نیکی کرده است تمام کنیم و برای اینکه هر چیزی را بیان نماییم و هدایت و رحمتی باشد امید که به لقای پروردگارشان ایمان بیاورند (۱۵۴)

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۵۵)

و این خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم پس از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید باشد که مورد رحمت قرار گیرید (۱۵۵)

بعد از این فرامین مهم، خدا در آیه ۱۵۴ از کتاب موسی حرف میزند و این نشان میدهد که خدا هم اکنون هم هیچکدام از این ده فرمان را نقض نکرده است و این ده فرمان هنوز براساس آیات قرآن معتبر است.

شاید تعجب کنید که هر سیستم شیطانی بر روی کره زمین، از طرق مختلف، خواسته و ناخواسته تعدادی از این ده فرمان را نقض میکنند. سیستمهای شیطانی بطرز زیرکانه ای این فرامین را منحرف میکنند. مثلا یکی از فرامین این است که قتل نکنید. اما داعش که خود را مسلمان! هم می نامند، براحتی جان آدمیان را می گیرند و قتل مرتکب میشوند. خدا در یک فرمان می فرماید که قتل نکنید ولی داعش و گروههای مشابه این فرمان را منحرف کرده اند و به صورت "هیچ مومنی را نکشید" تحریف کردند. زمانی با یک سلفی بحث میکردم. گفتم گرفتن جان هیچ انسانی بجز در حالت قصاص متقابل جایز نیست. او در جواب گفت که اگر انسان کافر باشد، مشکلی ندارد! آیه قرآن را برایش ذکر کردم که: (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا) **؛ اما او خیلی راحت بوسیله حدیث؛ این آیه قرآن را دور زد و گفت که این آیه برای غیرمومنان نیست. متاسفانه توسط حدیث براحتی آیات صریح قرآنی دور زده میشوند.**

در مقابل فرمان "زنا نکنید"؛ بشریت راه حلهای فریب زیادی برای در رفتن از زیر این فرمان ایجاد کرده است. دوست دختر گرفتن و دوست پسر گرفتن و ازدواجهای سفید و بنفش و ... راه حلهای شیطانی بشریت برای نقض کردن این قانون است. در حالی که خدا برای کسانی که امکان ازدواج ندارند، عفت و پاکدامنی را توصیه فرموده

است تا که بوقتش خدا از فضل خویش آنان را بی نیاز گرداند. (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ – و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند)

افرادی که از این قبیل امور دفاع می کنند و در رواج چنین اعمالی مشارکت می کنند، گمان می کنند که دارند خدا را فریب می دهند؛ گویی در نظام خدا خللی پیدا کرده اند!، اما بدون اینکه درک کنند فقط خودشان را فریب می دهند. سیستم ما براساس قوانین خدا و برای آن ساخته شده است و اگر قوانینی غیر از آن بر ما جاری شود؛ خوشبخت نخواهیم شد. قطعا طبق هیچ کلکی نمیتوان زنا را توجیه کرد. یک ارتباط جنسی وقتی که طبق سیستم خدا نباشد، خودبخود زناست. تعهد و وفاداری جزو فاکتورهای لاینفک یک ازدواج است و هر ارتباطی که پنهانی باشد، فاقد این فاکتورهاست.

در مورد قانون "دزدی نکنید"؛ بشریت روشهای دزدی زیادی پیدا کرده است. اینبار دیگر بوسیله بانکها و سایر موسسات بطور رسمی انجام میشود.

در مورد قانون " نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور "؛ مردم متاسفانه امروزه برای هر حادثه کوچکی به خدا قسم میخورند و برای هر ممنوعیتی نام خدا را دخالت میدهند. افرادی هستند که برای هر کار کوچکی به خدا قسم می خورند اینها نام خدا را به قیمت کمی می فروشند در چنین جامعه ای نام خدا ارج و حرمت لازم را ندارد و در آن جامعه دیگر به نام خدا اعتماد نمی شود و در نتیجه در آن جامعه بی دینی و آتئیست زیاد می شود.

در مورد قانون " روز شنبه را یاد دار تا آن را مقدس بداری."؛ باید توجه کنیم که حتی در قرآن هم روز شنبه تعطیل است و روز جمعه تعطیل نیست. خدا در میان بنی اسرائیل ، شنبه را به عنوان تعطیل قرار داده بود. برخلاف عموم مسلمانان که فکر میکنند، خدا جمعه را روز تعطیل قرار داده است؛ خدا هیچوقت روز جمعه را روز تعطیل اعلام نکرده است. بلکه روز جمعه آخرین روز کاری هفته است. و خدا در قرآن صراحتا بیان نموده است که در روز جمعه بعد از نماز جماعت هفتگی(که روز آخر هفته برگزار میشود)؛ به کار خویش ادامه دهید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٩)

ای کسانی که ایمان آورده اید چون برای نماز جمعه ندا درداده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است (٩)

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (١٠)

و چون نماز گزارده شد در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید و خدا را بسیار یاد کنید باشد که شما رستگار گردید (١٠)

یعنی روز جمعه به عنوان آخرین روز هفته؛ نماز جماعت برگزار میشود و بعد از نماز جماعت دوباره به سر کار خویش برگردید و تعطیل نیست. مسیحیان هم همین اشتباه را کرده اند و یکشنبه را تعطیل اعلام میکنند. در حالیکه از نظر قرآن روز تعطیل شنبه ها برای همه است. سبت در عربی و عبری به معنای روز شنبه است و این روز تعطیل، به نوعی مایه آرامش اجتماعی افراد تمام جهان است. قطعا هیچ دلیل خاصی بر تعطیل بودن جمعه وجود ندارد و اساسا جمعه روز آخر کاری هفته است. حتی در فارسی و عربی و عبری و زبانهای دیگر هم ایام هفته از یکشنبه شروع میشود. به همین خاطر در فارسی و عربی و ... روز اول هفته عدد یک را در خود دارد. اینها هیچکدام اتفاقی نیست. کتاب قرآن تاکیدی است بر کتابهای پیشین. بنی اسرائیل این قانون را با کلک شرعی دور زدند. روزهای شنبه برای ماهی های دریاچه دام می نهادند و روز بعد یکشنبه که تعطیل نبود؛ ماهی ها را می گرفتند و به خیال خود فکر میکردند که قانون خدا را نقض نکرده اند. در میان مسلمانان هم بکار بردن کلک شرعی زیاد رواج دارد. یکی از کلک شرعیها که اختراع شد، مربوط به طلاق است. در حالیکه آیه قرآن اینچنین می فرماید:

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت پس از آن دیگر [آن زن] برای او حلال نیست تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید] پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که

حدود خدا را برپا می دارند گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می دانند بیان می کند (۲۳۰)

تعدادی از مسلمانان این قانون خدا را با کلک شرعی دور می زنند و زنی که سه بار از شوهرش طلاق گرفته باشد؛ را بطور سوری به نکاح فرد دیگری در میاورند و بعد سوری طلاقش میدهند و به این طریق فکر میکنند که آیه فوق را اجرا کرده اند. حتی آنها برای این کار قانون فقهی هم ایجاد کرده اند و اسم آن فرد را هم محلل می گویند. یعنی حلال این مشکل و گره. اینها همان جادو جنبل است که به اسم دین خدا تبلیغ میشود.

یا اینکه بعضی از مسلمانان، در ماه رمضان برای اینکه روزه نگیرند، عمدا به مسافرت می روند و به این طریق به خیال خود فکر میکنند که حدود خدا را زیر پا نگذاشته اند. به نوشته یک استاد دانشگاه در این مورد دقت کنید: من گاهی به دانشجویانم توصیه می‌کنم اگر در تابستان توان گرفتن همه روزه‌هایشان را ندارند و همچنین امکان سفر طولانی نیز برایشان فراهم نیست بعد از اذان صبح بیش از ۲۲ کیلومتر از شهر خود دور شوند، این کار حتی اگر به نیت خوردن روزه باشد اشکالی ندارد، اما به هر حال قضای این روزه‌ها باید به جا آورده شود.

همانطور که می بینید ، کلک شرعی به یک امر عادی تبدیل شده است و براحتی از آن صحبت میشود. و به این راحتی حدود خدا نقض میشود. یهودیانی هم که تعطیلی شنبه را نقض کردند؛ همینطوری فکر میکردند.

یا بعضی ها ربا را با اسامی مختلف رنگ کرده و توجیه میکنند و فکر میکنند در حالت رنگ شده، دیگر ربا نیست. عده ای برای فرار از دادن زکات؛ از انواع حیله ها بهره

می برند و جالب است که اسم این حیله ها را فقه! گذاشته اند. درحالی که خدا تفقه در دین را برای عموم مردم یک امر پسندیده معرفی فرموده است و اسم این گونه حیله ها را شایسته نیست که فقه بگذاریم. بنی اسرائیل با کمک همین حیله ها ، آنقدر در کلک شرعی پیشرفت کرده بودند که بدون هیچ مشکلی و کاملا به خیال خودشان شرعی؛ ربا می دادند و می خوردند و کسی هم در آن شک نمی کرد.

مقایسه فرامین خدا با نسخه تحریف شده آن		
	قانون خدا	**قانون تحریف شده**
۱	من خدا، خالق تو هستم که تو را از اسارت و بندگی آزاد ساختم.	**من خدا فقط تو را از اسارت و بندگی نجات دادم.**
۲	تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان یا بر روی زمین یا در آب است، نساز و آنها را پرستش نکن.	**فقط معبودانی را غیر از من انتخاب کن که خودم اجازه داده ام.**
۳	نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور.	**با نام خدا حلال و حرام ساختن!**
۴	روز شنبه را یاد دار تا آن را مقدس بداری.	**اختراع انواع احکام خلاف حدود خدا بصورت کلک شرعی و حیله شرعی**
۵	پدر و مادرت را احترام بگذار.	
۶	قتل نکن.	**قتل مکن (البته قتل کافران مشکلی ندارد!)**

۷	زنا نکن	**دوست دختر و دوست پسر و ازدواج سفید و پنهانی و ....**
۸	دزدی نکن	**دزدی به اسم قانون و بطور رسمی**
۹	شهادت دروغ نده.	**تحریف وقایع و حوادث و پخش آن در میان مردم**
۱۰	چشم طمع به مال و ناموس همسایه نداشته باش.	**دخالت در امور دیگران**

هرکدام از ده فرمان که اجرا نشود؛ خودبخود سیستم آن جامعه به هم میخورد. این ده فرمان که در قرآن هم آمده است، به نوعی پایه و اساس یک جامعه هستند و اگر جامعه ای، این ده فرمان در آن اجرا نشود؛ بمرور به یک جامعه مرده تبدیل خواهد شد. ما حتی در ذهن خویش هم نباید ده فرمان را نقض کنیم یعنی حتی نباید در ذهن خویش به دزدی و یا زنا فکر کرد زیرا آنچه در ذهن ما میگذرد زمینه ساز انجام عملی آن است.

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

بگو پروردگار من فقط زشتکاریها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریك خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمیدانید به خدا نسبت دهید (۳۳)

زمانی که موسی به مدت ۴۰ شبانه روز در میقات به سر برد، آن ده فرمان را دریافت کرد خدا می توانست آن ده فرمان را در یک روز بر موسی نازل کند و در الواح تحویل او دهد. اما خدا این کار را نکرد، زیرا موسی به مدت چهل شبانه روز جهت عبادت و آماده سازی دریافت ده فرمان، در کوه طور به سر برد تا حقیقت امور ده فرمان را درک کند. زیرا ما اگر حقیقت امور را درک نکنیم، قادر به خودداری از نقض ده فرمان نخواهیم بود. مثلاً اگر یکی فرمان "دزدی نکنید" را درک نکرده باشد ممکن است که در دام شیطان بیفتد و دزدیهایی به نام کلک شرعی ایجاد کند. یکی از فرمان های خدا در ده فرمان این بود که شنبه تعطیل است و نباید در آن کار کرد اما بنی اسرائیل که حقیقت این امر و فرمان را درک نکرده بودند، شنبه ها تور می‌انداختند و یکشنبه ها ماهی را شکار می کردند و به این طریق به خیال خودشان فرمان شنبه را نقض نکرده اند یا بعضی ها که هوس خود را نمیتواند کنترل کنند به این فکر می‌افتند که راهی پیدا کنند که کم هزینه، پنهان، راحت و بدون مسئولیت در هوسرانی . به این طریق دوست گرفتن پنهانی و ازدواج چند ساعته رایج شد. آنها به خیال خود ازدواج را دور زده اند. اینها همگی یک نوع کلک شرعی است و به معنای دور زدن قانون "زنا نکنید" است.

بشریت باید این دستورات مهم را که با تمام جزئیات و تفصیلات در قرآن ذکر شده است را به بچه های خود بیاموزند. برای آموزش و اقامه عملی این قوانین مهم، باید مفهوم ابتدایی و عمقی این ده قانون در قرآن را به کودکان بیاموزیم.

	قانون خدا در تورات	**تفصیل قانون در قرآن**
۱	من خدا، خالق تو هستم که تو را از اسارت و بندگی آزاد ساختم.	**نباید کسی را همتراز خدا قرارداد و باید همیشه در هر حال خدا را یاد نمود زیرا اوست که در تمام مراحل زندگی مشکلات ما را حل میکند. هر مشکلی در زندگی ما حل شود، خدا آن را انجام داده است. تمام هدف خدا از دستورات قرآن این است که ما را از بندگی شیاطین انس و جن نجات دهند.**
۲	تو را معبود دیگری جز من نباشد. هیچ تصویری از آنچه در آسمان یا بر روی زمین یا در آب است، نساز و آنها را پرستش نکن.	**واقعیتها را در زندگی بپذیر و هیچ تصویری از زندگی خیالی برای خود درست نکن و خیالپردازی نکنید. لذت در واقعیتهاست. شعراء و آهنگهای آلفایی مهمترین نقض کننده این قانون هستند. به همین خاطر خدا می فرماید که :** وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ و شاعران را گمراهان پیروی می کنند (۲۲۴) أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ آیا ندیده ای که آنان در هر وادیی سرگردانند (۲۲۵) وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾ و آنانند که چیزهایی می گویند که انجام نمی دهند (۲۲۶)

۳	نام خدای خالقت را بیهوده بر زبان نیاور.	**یعنی دعاهایت را خالصانه برای خدا قرار بده و فقط خدا را بخوانید. آگاهانه دعا کنید تا بدانید که از خدا چی میخواهید. موقعیت و قدر و حرمت خدا را نگه دارید و نسبت به او شک و گمان بد نبرید که او ارحم الراحمین است.**
۴	روز شنبه را یاد دار تا آن را مقدس بداری.	**روزی را در هفته به خدا اختصاص بده و کسب و کار و فعالیتهایت را قطع کن تا مقداری از دغده های فکری و ذهنی نجات پیدا کنید. اختصاص یک روز در هفته برای عبادت خدا، مثل خواب شبانه برای ما نیاز است.**
۵	پدر و مادرت را احترام بگذار.	**احترام و احسان و نیکی را نسبت به پدر و مادر و خانواده ات اجرا کن.** (وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا)
۶	قتل نکن.	**قرآن کارهایی که زمینه ساز قتل است را منع فرموده است. خدا در قرآن اعلام میدارد که خشم و عصبانیت ممنوع است و صبر و بردباری و بخشش را در منازعات پیشنهاد میدهد. قرآن بطرز معجزه آمیزی تمام خواصی که باعث بوحودآمدن قتل میشود را تشریح نموده است.**
۷	زنا نکن	**نسبت به عهد زناشویی وفادار باش و بدون عهد زناشویی، با کسی مخفیانه ارتباط نداشته باشید.** وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٥﴾ و هر کس از شما از نظر مالی نمی تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالك آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است [همه] از یکدیگرید پس آنان را با اجازه خانواده شان به همسری

		[خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار و دوست‌گیران پنهانی نباشند پس چون به ازدواج [شما] درآمدند اگر مرتکب فحشا شدند پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آلایش گناه بیم دارد و صبر کردن برای شما بهتر است و خداوند آمرزنده مهربان است (۲۵)
۸	دزدی نکن	**هر چیزی که مال شما نیست و مال دیگری است، مخفیانه و بدون اطلاع صاحبش برندار و از آن استفاده نکنید. در وارد شدن به خانه های دیگران، اجازه بگیرید و آیات متعدد دیگری در قرآن که به تفصیل قانونهای دهگانه را توضیح داده است.**
۹	شهادت دروغ نده.	**یعنی در حرفهایی که در سرنوشت دیگران موثر است ، دقت کنید و هیچوقت نسبت به دیگران تهمت، دروغ، غیبت و کنایه نزنید و نگوئید.**
۱۰	چشم طمع به مال و ناموس همسایه نداشته باش.	**نسبت به دیگران حسود نباشید و دیگران را با متلک و حرفهای زننده اذیت نکنید و مسخره نکنید. آبروی دیگران را نبرید.** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۱۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقبهای زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند (۱۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که

		گوشت برادر مرده اش را بخورد از آن کراهت دارید [پس] از خدا بترسید که خدا توبه پذیر مهربان است (۱۲)

این ده فرمان فقط برای قوم یهود نیست ، بلکه از زمان آدم تا کنون بوده است. باید توجه شود که کلمه اسرائیل به معنای سرزمین خاصی نیست و بلکه اسرائیل از دو کلمه اسرا (انتقال دهنده) و ایل (خدا) تشکیل شده است. یعنی کسانی که ده قانون خدا را نسل به نسل روی زمین منتقل میکنند و در اینجا منظور نژاد سامی و یا عرب نیست. سرزمینی که اکنون به اسم اسرائیل است ربطی به این موضوع ندارد و قطعا یهودیان فعلی ساکن آنجا نمیتوانند منتقل کننده پیام خدا باشند. زیرا اگر آنها راست می بودند، مسیح و آخرین کتاب خدا (قرآن) را می پذیرفتند و پیامهای آن را منتقل میکردند و تسلیم پیام خدا میشدند. اسرائیل یعنی افراد با ایمانی که در برقراری ده قانون خدا تلاش میکنند و بنی اسرائیل یعنی فرزندان این گروه. خود اسرائیل آدمهای خوبی بوده اند و اما بنی اسرائیل ممکن است که آدمهای خوب و بد در میان آنان باشد. یعقوب یکی از این اسرائیل ها بوده است.

در آیه زیر که راجع به قتل هابیل توسط قابیل است؛ خدا از بنی اسرائیل حرف میزند. یعنی بنی اسرائیل از زمان قابیل و هابیل بوده اند و تا قیامت هم خواهند بود. خود یعقوب صفتی به اسم اسرائیل داشته است و این صفت میتواند برای دیگران هم باشد. اسرائیل اسم نیست و بلکه یک صفت است. صفت تمام کسانی است که

قوانین نازل شده خدا را پیاده میکنند و آن را نسل به نسل منتقل میکنند. این افراد در نژادهای مختلف میتوانند باشند و لزوما سامی و یا عرب نیستند.

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾

پس خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می کاوید تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند [قابیل] گفت وای بر من آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم پس از [زمره] پشیمانان گردید (۳۱)

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾

از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعا پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می کنند (۳۲)

بنابراین لقمان که یک سیاه پوست بوده است، یک اسرائیل بوده است، زیرا در برقراری قوانین دهگانه خدا تلاش کرده است. از دیدگاه مسیحیت کنونی، اسرائیل زمان حاضر که وعده نجات به او داده شده همان کلیساست. یهودیان هم خود را اسرائیل میدانند و به این طریق هر فرقه ای ، به نفع خود میخواهد آن را تاویل کند. طوری است که یهودیت به یک نژادپرستی تبدیل شده است و سیاه پوستان را در زمره خود نمیدانند. یعقوب که تلاش زیادی کرد تا قوانین خدا را نسل به نسل منتقل

کند، یک اسرائیل بوده است. حتی یعقوب در لحظات آخر عمرش ، فرزندانش (بنی اسرائیل) را توصیه میکند که تا آخر عمرشان مسلمان باشند.

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾

آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید هنگامی که به پسران خود گفت پس از من چه را خواهید پرستید گفتند معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق معبودی یگانه را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم (۱۳۳)

بنابراین تمام ادیان قبلی هم خود را مسلمان می نامیده اند و این گفته یعقوب بوده است. یعقوب یک اسرائیل (کسی که دین خدا (اسلام) را به نسلهای بعدی منتقل میکند) بوده است. موسی هم یک مسلمان بوده است و تمام این افراد یک اسرائیل بوده اند و اما نسلهای بعدی آنان (بنی اسرائیل – فرزندان اسرائیل)، خود را مسیحی و یهودی نامیدند و قانون مهم خدا را تغییر دادند. خدا از زمان آدم تا کنون یک دین نازل کرده است و تا قیامت هم همان دین است و آن هم اسلام است.